

دعوت به اقامه خلافت راشده بر مذهب نبوت که حزب التحریر برای آن تلاش می‌کند، فراتر از مرزهای ساختگی‌ای است که استثمار پس از فروپاشی خلافت عثمانی میان سرزمین‌های مسلمانان کشید. این دعوت، جهانی و فراگیر برای همه مسلمانان روی زمین است؛ بلکه فراخوانی است به جنگ زن به ریمان محکم الهی. خلافت، ریاستی عام برای تمام امت است و حزب التحریر برای تحقق آن، طرحی جامع از قانون اساسی بر پایه قرآن و سنت تهیه کرده که مشتمل بر مصاد مربوط به اقتصاد، سیاست خارجی، جنگ، امور اجتماعی، آموزش، بهداشت، امور مالی و هر آنچه برای اجرا از نخستین روز لازم است، می‌باشد. امروز نشانه‌های تحقق این آرمان آشکار شده و دل‌های بسیاری از مسلمانان مشتاق اقامه آن است.



در این شماره می‌خوانید:

تفره‌های گمرکی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای فشار جبهه سره آمریکا و چین و چالش گروه بریکس ... ۲

اوجان و تسریع روند کار گذاشتن سلاح توسط چین... ۲۰

آینده جنگ مدرن و جایگاه از دست‌رفته خلافت... ۳۰

عقیده اسلامی، اساس رستگاری و قطب‌نمای زندگی... ۴۰

پس از هفت ماه جنبه‌جویی دیپلماتیک سوریه میان طمع دولتها و سرنوشت خود... ۴۰

چهارشنبه ۲۸ محرم ۱۴۴۷ ق، ۲۳ جولای ۲۰۲۵، ۱ مرداد ۱۴۰۴ ش

مقاله برگزیده

افول ستاره آمریکا و طلوع فکر خلافت

استاد المحامی حاتم جعفر

رئیس‌جمهور چهل‌وهفتم آمریکا، دونالد ترامپ، به قدرت رسید تا با میراثی سنگین از بحران‌ها در داخل و خارج کشور روبه‌رو شود و با چالش‌های بزرگی که جایگاه آمریکا را متزلزل ساخته‌اند، مقابله کند. بااین‌حال، ترامپ که مردی سرسخت است و به خود اطمینان دارد و فنون مبارزه و کشمکش را به‌خوبی می‌داند و ناامید نمی‌شود، حتی رقبایش را ترساند و خود را به رهبری حزب تبدیل کرد و اکنون برای بار دوم با قدرت به کاخ سفید بازگردد، درحالی‌که پیروزی قاطعی بر رقیب دموکرات خود، کامالا هریس، به‌دست آورده و از حمایت شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری برخوردار است؛ چه‌شاید سرمایه‌داری کلاسیک مانند شرکت‌های نفت و اسلحه و راه‌های و غیره که املاً از پایگاه‌های اصلی حزب جمهوری‌خواه هستند و او را پشتیبانی می‌کنند و چه شرکت‌های سرمایه‌داری فناوری مانند شرکت‌های دره سیلیکون؛ نتا، اپل، آمازون و دیگران که در انتخابات از کامالا هریس حمایت کردند، اما زود به صف حامیان ترامپ پیوستند و بیشتر آن‌ها مبلغ یکمیلیون دلار برای مراسم تحلیف ترامپ پرداختند. ترامپ این بار با اندیشه‌ها و برنامه‌های جناح راست محافظه‌کار به قدرت رسیده است، جریانی سیاسی که از آغاز پیدایش آمریکا شکل گرفت و در دهه پنجاه قرن گذشته به‌عنوان جریانی مؤثر تثبیت شد و به دنبال حکومت مرد سفیدپوست روستاها و بازگشت به ارزش‌های خانواده است و از شهروترین گروه‌های سیاسی آن، رئیس‌جمهور ریگان است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکمان آمریکا سرعت در تغییر است، زیرا به‌شکل اساسی بر ملاحظات راکتز افکار و اندیشه تکیه‌دارند؛ بنابراین، سیاست‌های ترامپ در این دوره ریاست‌جمهوری خود، برگرفته از اندیشه‌های Heritage Foundation است، موسسه‌ای پژوهشی و آموزشی که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و بودجه سالانه‌اش حدود ۸۰ میلیون دلار است و از مهم‌ترین مراکز اندیشه جناح راست محافظه‌کار به‌شمار می‌رود. تأسیس این اندیشه‌ها واکشی بود به پیدایش چند اندیشه‌ی لیبرال همچون موسسه بروکینگز. ملاحظات بنیاد هریس نقش پرستهای در پیروزی رئیس‌جمهور ریگان در جنگ سرد دهه هشتاد قرن گذشته داشت.

سیاست‌های کنونی ترامپ ریشه در یک پژوهش دارد که بنیاد محافظه‌کار «هریج» در سال ۲۰۲۳ منتشر کرد و به نام «پروژه انتقال ریاست‌جمهوری ۲۰۲۵» شناخته می‌شود. طرح‌های این پروژه در کاخی به تومیه‌های سیاسی گردآمده است به نام: Mandate For Promise: The Conservative Leadership (توفیق رهبری، وعده محافظه‌کارانه) هزینه تهیه این پژوهش ۲۲ میلیون دلار بوده و ترامپ اکنون عملاً همان سیاست‌ها را پیاده می‌کند. این پروژه هدفش تفکیک و تضعیف ساختار دولت پنهان، بازگرداندن قدرت به مردم، پایان دادن به شکست سیاسی آمریکا به سود جناح راست محافظه‌کار، تسریع شکست‌های داخلی و درمان بدعی فدرال است که به ۳۳٫۶ تریلیون دلار رسیده و در سطح خارجی نیز تقویت جایگاه جهانی آمریکا است.

ذهنی اصلی حاکم بر سیاست خارجی ترامپ بر کاهش هزینه‌ها، باگیری و واگشتن دیگران به خدمت به منافع آمریکا مبتنی است.

از مورد سرزمین‌های اسلامی، سیاست ترامپ مقابله با بازگشت اسلام به‌ویژه خلافت است؛ زیرا خلافت تنها راه عملی تحقق اسلام در قالب یک دولت است، به همین دلیل، حفظ پایگاه نظامی پیشرفته‌اش در منطقه، یعنی رژیم پیوند (اسرائیل) را در اولویت مطلق قرار داده است.

از نظر ابزار و روش، ترامپ بر استفاده از قدرت سخت یا تهدید به بازگیری آن تکیه دارد و کاملاً از قدرت نرم که گاه تأثیری ویرانگرتر دارد غافل است. به همین خاطر، گشتار جمعی در غزه را به‌پرده و در برابر دوربین‌ها مرتکب می‌شود و می‌کوشد غزه را از ساکنانش خالی کند. درحالی‌که پیوند را با زواری خود قرار داد و هیچ اعتناشی به احساسات مسلمانان یا آزادگان جهان ندارد. بلکه به حملات هوایی مستقیم به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز قانون بین‌المللی و نهادهای آن که خود آمریکا بار نیز تثبیت رهبری جهانی‌اش ساخته، زیر پا می‌گذارد. حتی سرائی گشادند کشورهای پیشینی به ریمان ابراهیم، وادی‌سازی روابط با رژیم پیوند تلاش می‌کند تا این رژیم را به برادر بزرگتر دولتی‌های دست‌شده منطقه بدل کند؛ شبکه «اثری» نیز به نقل از ترامپ آورده است: «کشورهای بسیاری هستند که می‌خواهند به توافقات ابراهیم پیوندند؛ ایران مانع این راه بود». شکی نیست که ترامپ، مست قدرت و سرپرست از تسلیم رهبران جهان به اوامر خود، از دو دسته واقعیت به‌کلی غافل است:

۳ ادامه

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

حقایق سیاسی و عقیدتی؛ رویدادهای خونین سویداء بر آن‌ها گواهی می‌دهند

استاد ناصر شیخ عبد الحی



در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۵، به‌طور شگوه‌کننده و ناگهانی، وزارت دفاع سوریه آغاز خروج نیروهای ارتش از شهر سویداء را اعلام کرد؛ این تصمیم، پس از توافق میان دولت و مشایخ عقل دروز و با اعلام رئیس‌جمهور انتقالی سوریه، احمد الشرح، مبنی بر واگذاری مسئولیت حفظ امنیت سویداء، به گروه‌های محلی و مشایخ عقل دروز، اتخاذ شد؛ آن‌هم پس از چند روز درگیری‌های فوجین، شدید که مدها تن از برادران ما را به شهادت رساند. این تحولات در پی دعوت آمریکا به خروج نیروهای دولتی از استان و پس از سلسله حملات هوایی شدید رژیم صهیونیستی بر دمشق که ستاد کل، وزارت دفاع و اطراف کاخ ریاست‌جمهوری را هدف قرار داد، رخ داد؛ همچنین پیش‌تر مناطقی از اطراف دمشق، درعا و سویداء، مورد بمباران قرار گرفته و شمار زیادی شهید و زخمی بر جای مانده بود. پس‌ازاین عقب‌نشینی، اقدامات انتقام‌جویانه و خیانت‌بار شرم‌آوری رخ داد که خون و شکسته و بدوی سویداء، را نشانه رفت؛ ریوند، قتل، شکنجه و شکنجیدن افراد با خودرو در خیابان‌ها، توسط شبه‌نظامیان دروزی که با تکیه بر رژیم صهیونیستی و تحریک گسترده «حکمت‌الهی» که اکنون به نماد جنایت و تحریک برای چای‌طلبی و مطالبه خودمختاری و درخواست حمایت بین‌المللی تبدیل‌شده، مرتکب شدند.

در این شرایط دردناک، نااهمای استغافه برای طلب غیرت و مردانگی مسلمانان بلند شد و نگاه شاهد مخدانی به‌شکوه بودیم؛ کاروان‌های عظیم فرزندان امت و عشایر آن، آسمان را پوشاندند و به این فریاد پاسخ دادند: از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور، حتی فراتر از مرزهای سایکس‌پیکو که استعمارگران ترسیم کرده‌اند، غیرت مردم عراق، اردن، عربستان و دیگر کشورها نیز حاضر شد و شبه‌نظامیان که به پیوند متکی بودند، ضربات دردناکی خوردند و زیر ضربات جوانان امت و عشایر درهم شکستند. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، مدعی آمریکا، غرب و پیوند مبنی بر لزوم دخالت دولت سوریه

۴ ادامه

تجاوزات باند «تسه طویله» فقط با اجرای خلافت اسلامی ریشه‌کن می‌شود

خبرنگار سایت «کوش نیوز»، حبیبه ال‌امین، در منطقه ترانسیت شهر پورتسودان هنگام بازگشت از یک مأموریت خبری، به همراه چند نفر از همکارانش، هدف حمله ترانکی از سوی اعضای باند «تسه طویله» قرار گرفت.

ابراهیم عثمان (ابوخلیل)، سخنگوی حزب التحریر در ایالت سودان، در پیامی مطبوعاتی اعلام کرد: این تنها یک مورد از حوادث متعدد سرقت، غارت و قتل است که در شهرهایی روی می‌دهد که قرار است این امن باشند؛ مثل ام درمان، خارطوم و حلا پایتخت اداری، پورتسودان؛ شهرهایی که زیر نظر دولت و دستگاه امنیتی آن هستند.

وی افزود: تردیدی نیست که تنها راه مبارز این جنایات، اجرای حدود شرعی است. عهده‌شروعی این است که «حدود» بازدارنده و جبران‌کننده‌اند؛ یعنی، هم‌چنان‌کاران را از ارتکاب جرم بازدارند و هم برای کسی که حد بر او اجرا می‌شود، کفاره و جبران‌کننده عذاب آفرینند.

ابوخلیل ادامه داد: احکام شرعی فقط در سایه دولت اسلامی یعنی خلافت راشده بر مذهب نبوت قابل اجراست و تنها این نظام است که جنایتکاران را مبار و مجازات می‌کند؛ اما نظام‌های دموکراتیک، نهمین بستر پیدایش مجرمانند، بلکه خود جرم و فساد را تولید و حمایت می‌کنند؛ چون مجازات آن‌ها ضعیف است و گمان می‌کند از خالق انسان مهربان‌ترند؛ و پس از کفر، گناهی بزرگ‌تر نیست.

او بیانیه که این‌گونه به پایان رساند: این وقت آن رسیده که اهل قدرت و نفوذ در کشور ما، دعوت پروردگار را اجابت کنند و باری خود را به حزب‌التحریر بسپارند تا به‌یعت شرعی با یک خلیفه راشده برقرار شود؛ خلیفه‌ای که عدل را برپا سازد، امنیت را برقرار کند و جنایتکاران، از کوچک تا بزرگ را بازخواست نماید؛ چنانکه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «امام، سپری است که پشت سر او چنگیده می‌شود و به واسطه او مردم در امان‌اند».

صندوق بین‌المللی پول روز چهارشنبه ۹ ژوئیه ۲۰۲۵ هشدار داد که اقتصاد عراق با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. شورای صندوق در بیانیه‌ای در پایان مشاوره‌های ماده چهارم با عراق اعلام کرد که امکان افزایش درآمدهای غیرنفتی از طریق افزایش مالیات‌ها و عوارض گمرکی وجود دارد. در بخش درآمد‌ها، علاوه بر تقویت مدیریت مالیاتی، امکان افزایش عوارض گمرکی و مالیات‌های تولیدی و اصلاح مالیات بر درآمد شخصی از جمله کاهش معافیت‌ها و اعمال مالیات بر فروش عمومی در میان‌مدت وجود دارد. در بخش هزینه‌ها، اصلاحات جامع در فهرست حقوق و دستمزدهای دولتی از طریق محدودسازی استخدام و مبتیایی برای کاهش تعداد کارکنان، پیشنهاد شده است.

در نهایت، اصلاح نظام حقوق بازنشستگی عمومی با افزایش سن بازنشستگی و کاهش نرخ‌های استحقاق بازنشستگی، ضروری شمرده شده است. دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر در ولایت عراق بیانیه‌ای صادر کرد و نوشت: این تومیه‌های صندوق بین‌المللی پول به دولت عراق، در واقع مداخله‌ای آشکار در سیاست داخلی کشور است.

بیانیه خطاب به مسلمانان به‌طور عام و مردم عراق به‌طور خاص چنین می‌گوید: دیگر بر کسی پوشیده نیست که اقتصاد کشور شما تا چه اندازه گرفتار آشفتگی و فقر قراربیده شده، با آن‌که ثروت‌های عظیمی در اختیار دارد و علت اصلی آن وابستگی نظام‌های حاکم به آمریکا و دیگر کشورهای همکار از طریق ابزارهای مانند دلار، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. آمریکا این کمک‌های مالی را به ابزاری سیاسی بدل کرده که ظاهر آن کمک به کشورهای نیازمند است، اما در واقع بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشورها، به‌ویژه سیاست داخلی، تأثیر می‌گذارد... تسلیح‌باز و شرم‌آور است تومیه نیست بلکه دزدی از دست‌رنج مردم است؛ پس به وام گرفتن متوسل شود؛ آن‌هم از نهادهای که در پی سلبه بر سیاست داخلی کشور است!

در ادامه آمده است: آنچه شورا در بالا به‌عنوان افزایش مالیات و عوارض از مردم عنوان کرده، تومیه نیست بلکه دزدی از دست‌رنج مردم است؛ پس از آن‌که ثروت‌های کشور را غارت کردند، اکنون مردم را وادار می‌کنند باز هزینه‌های آن را نیز بگشند و آمریکا و کشورهای اروپایی در رفاه و تجمیل زندگی کنند و ملت‌های مسلمان را به فقر و احتیاج بیندازند و این سازمان (صندوق) هم تضمین کند که پول خود را با سود ربوی چندبرابر پس می‌گیرد. این دخالت تا جایی پیش رفته که حتی در امور استخدام و بازنشستگی نیز دخالت می‌کند!

بیانیه با طنز سرسیده است: آیا برای این حاکمان بی‌کفایت چیزی از رای و اراده می‌ماند؟ پاسخ: سیاست خارجی‌شان تابع کفار است، نظام سیاسی و اقتصادی‌شان تعمیلی است و حتی سیاست داخلی نیز دیگر در اختیارشان نیست؛ پس چه خفت و لذتی امروز دامان آن اسلامی را گرفته است؟! در پایان، بیانیه بار دیگر خطاب به مسلمانان تأکید می‌کند: با یقین به‌داند که این بندها جز با اقامه دولت طاقت‌ناشده و قطع نفوذ کفار از سرزمین‌تان و بازگرداندن ثروت‌نهایتان از هم‌اکنون به شما گسسته نخواهد شد؛ همان وعده الهی و مؤذره رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم. پس به کار جدی برای اقامه این فریضه بزرگ در کنار حزب‌التحریر بشتابید که عزت شما و خواری کفار در آن است و پیش از همه، رضایت پروردگار علیمان.

تعرفه‌های گمرکی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای فشار جبهه سرد آمریکا و چین و چالش گروه بریکس

دکتر محمد جیلانی



یازده کشور عضو گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مکزیک، اتیوپی، ایران، اندونزی، عربستان و امارات) روز شنبه ۶ ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی در ریودوژانیرو، پایتخت برزیل، گرد هم آمدند و سندی با عنوان «تقویت همکاری میان کشورهای جنوب برای حکمرانی فراگیرتر و پایداری» را امضا کردند؛ سندی که بر پایبندی این گروه به تقویت چندجانبه‌گرایی، دفاع از حقوق بین‌الملل و تلاش برای نظام جهانی عادلانه‌تر تأکید می‌کند؛ اما در این نشست، هیچ تصمیمی بر پروژه‌ای درباره راه‌اندازی نظام پولی جدید یا موضوعات مهم منطقه‌ای و جهانی مانند جنگ اوکراین و خاورمیانه گرفته نشد. گروه بریکس در بیانیه پایانی نشست، از تعرفه‌های گمرکی قریب‌الوقوع آمریکا انتقاد کرد. در مقابل، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد که کشورش بر هر دولتی که به‌گفته او «سیاست‌های ضدآمریکایی» بریکس را در پیش گیرد، ۱۰ درصد تعرفه گمرکی اضافه وضع خواهد کرد.

این تهدید ترامپ به وضع تعرفه‌های گمرکی مضاعف، بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر آمریکا است که پیش از پیش میان سیاست اقتصادی و اهداف ژئوپلیتیکی پیوند برقرار کرده است. هرچند تعرفه‌های گمرکی آمریکا به‌ویژه آن‌هایی که متوجه چین هستند در آغاز به‌عنوان اقدامات اصلاحی برای جبران کسری‌های تجاری طراحی‌شده بود، اما به تدریج به ابزاری کلیدی برای مقابله راهبردی بدل شد که هم‌زمان اهدافی جهانی را شکل داد و مرزهای اقتصادی را بازتعریف کرد.

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود، جنگ تجاری شدیدی با چین آغاز کرد و تعرفه‌های بر کالا‌های چینی به ارزش بیش از ۳۶۰ میلیارد دلار وضع نمود. گرچه نتیجه رسمی این اقدام، مقابله با رویه‌های تجاری ناعادلانه و سرعت مالکیت فکری بود، اما اسناد راهبردی و تحلیل مراکز پژوهشی از انگیزه‌های عمیق‌تر حمایت دارد: مهار ظهور چین به‌عنوان یک قدرت فناوری و نظامی بی‌رقیب، چنان‌که در گزارش بنیاد هریج در سال ۲۰۲۲ آمده: «پرویز در جنگ سرد جدید: طرح مقابله با چین». این رویکرد که «سیاست ژئواقتصادی» نامیده می‌شود، از ابزارهای چون تعرفه‌های گمرکی، تحریم‌ها و کنترل صادرات برای تثبیت سلطه آمریکا در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی بهره می‌گیرد.

این راهبرد در دوره بایدن نیز ادامه یافته است؛ به‌طوری‌که محدودیت‌های صادراتی علیه منابع نیمه‌هادی و هوش مصنوعی چین، همراه با «قانون تراشه‌های رایانه و علوم»، نشان از اجماع هر دو حزب در آمریکا دارد مبنی بر این‌که روابط اقتصادی با چین، خطری برای امنیت ملی ایالات‌متحده محسوب می‌شود. بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل نیز تصریح کرده که تجارت و سرمایه‌گذاری از رقابت‌ها و منافع راهبردی جدا نیستند. امروزه، دریای چین جنوبی و منطقه هند و اقیانوس آرام به صحنه‌های اصلی اجرای این راهبرد بدل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تعرفه‌های گمرکی با افزایش حضور نظامی، عملیات دریانوردی و تشکیل ائتلاف‌های چون آکوس (استرالیا، آمریکا و بریتانیا) و کواد (استرالیا، آمریکا، هند و ژاپن) هم‌زمان شده است؛ ائتلاف‌هایی که همگی هدفشان مهار نفوذ دریایی و قدرت منطقه‌ای چین است. طبق گزارش پولیتیکو ۲۰۲۴، کارزارهای فشار اقتصادی در دوران ترامپ کاملاً با اهداف پتانگون هم‌راستا بوده‌اند؛ چه در دوره ریاست‌جمهوری بایدن و چه پیش و پس از بایدن.

در دوران جنگ سرد را که میان آمریکا و اتحاد شوروی رایج بود، رد کرده است. شنی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، «تعرفه‌های گمرکی یک‌جانبه و جنگ‌های تجاری» را عامل بی‌ثباتی نظم جهانی دانسته و خواستار بازگشت به «چندجانبه‌گرایی واقعی» و «همکاری سودمند دوجانبه» شده است. در سنده راهبرد امنیت ملی چین نیز دولت این کشور آشکارا «سیاست ائتلاف‌سازی» را محکوم کرده است. وزارت امور خارجه چین هم هشدار تعرفه‌ای ترامپ در سال

اوجان و تسریع روند کنار گذاشتن سلاح توسط حزبش

استاد اسعد منصور

در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۲۵، ویدئویی از عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان، منتشر شد که در آن تعهد می‌دهد روند کنار گذاشتن سلاح توسط حزبش را تسریع کند. او گفت: «در چارچوب پایبندی به وعده‌هایی که داده‌ایم، باید سازوکاری برای کنار گذاشتن سلاح ایجاد شود که به پیشرفت روند منجر گردد و مبارزه مسلحانه به‌طور داوطلبانه پایان‌یافته و وارد مرحله قانون‌مداری و سیاست دموکراتیک شویم».

به‌منظر میرسد حزب او که در ۱۲ مه ۲۰۲۵ به دعوت او به انحلال خود و کنار گذاشتن سلاح پاسخ مثبت داده بود، در روند خلع سلاح تعلل ورزیده است؛ امری که آزادی او از زندان را به تأخیر انداخته است. گویا درون حزب نیروهای مخالف وجود دارند که با تعلل خود موضوع را معلق نگاه داشته‌اند؛ زیرا مذاکرات مرعانه بین دو طرف از سال ۲۰۰۹ آغاز شده و سپس متوقف‌شده بود و اوجالان نگران است که بار دیگر این روند متوقف شود و همچنان

در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۲۵، ویدئویی از عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان، منتشر شد که در آن تعهد می‌دهد روند کنار گذاشتن سلاح توسط حزبش را تسریع کند. او گفت: «در چارچوب پایبندی به وعده‌هایی که داده‌ایم، باید سازوکاری برای کنار گذاشتن سلاح ایجاد شود که به پیشرفت روند منجر گردد و مبارزه مسلحانه به‌طور داوطلبانه پایان‌یافته و وارد مرحله قانون‌مداری و سیاست دموکراتیک شویم».

به‌منظر میرسد حزب او که در ۱۲ مه ۲۰۲۵ به دعوت او به انحلال خود و کنار گذاشتن سلاح پاسخ مثبت داده بود، در روند خلع سلاح تعلل ورزیده است؛ امری که آزادی او از زندان را به تأخیر انداخته است. گویا درون حزب نیروهای مخالف وجود دارند که با تعلل خود موضوع را معلق نگاه داشته‌اند؛ زیرا مذاکرات مرعانه بین دو طرف از سال ۲۰۰۹ آغاز شده و سپس متوقف‌شده بود و اوجالان نگران است که بار دیگر این روند متوقف شود و همچنان



ترکیه نیز به‌شدت فشار می‌آورد تا این پرونده را ببندد تا اردوغان بتواند به‌عنوان یک دستاورد تاریخی بزرگ قوام مسلحانه خود را آغاز کرده بود، اعلام برانگیز کرد و گفت: «حزب از هدف تشکیل دولت ملی صرف‌نظر کرده در نتیجه از استراتژی جنگ نیز دست برداشته است. در شرایط تاریخی کنونی امید می‌رود پیشرفت بیشتری حاصل شود».

به همین دلیل خواستار تسریع روند خلع سلاح شد و گفت: «در مورد کنار گذاشتن سلاح، راهکارهای مناسب تعیین‌شده و اقدامات عملی سریع‌تری در پیش‌گرفته می‌شود» برای تحقق این هدف افزود: «در حال حاضر کمیته‌ای در مجلس ترکیه در حال تشکیل است تا فرآیند خلع سلاح به‌طور داوطلبانه و در چارچوب قانون انجام شود و این امر بسیار مهم است... ضروری است که گام‌های برداشته‌شده حساس و دور از منافع تنگ‌فروانه باشند اوجالان در این سخنان به منتقدان و معترضان اشاره می‌کند و منطق آن‌ها را «تنگ‌فروانه» می‌داند. وی افزود: «این گام را نشانه حسن نیت می‌دانم و به آن ابرار دارم. ایمان من به سیاست و صلح اجتماعی است، به سلاح، شما را دعوت می‌کنم که این امر را عملی کنید. در اینجا او به سراحت تأکید می‌کند که باید روند اجرای توافقات تسریع شود تا فرصت خود را برای اثبات رهبری بر پروانش و نیز شانس آزادی از زندان که از سال ۱۹۹۹ در آن به سر می‌برد، از دست ندهد.

آپه‌ای من موضوع را تأیید می‌کند این است که سخنرانی اوجالان توسط برگزاری «فرا» که به حزب او نزدیک است در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵ ضبط‌شده اما در ۹ ژوئیه ۲۰۲۵ منتشرشده است و این نشان می‌دهد انتشار آن را زمانی به تأخیر انداخته که واکنش عملی از سوی اعضا و رهبری حزب دیده شود؛ زیرا نشانه‌های تعلل و کندگی در اجرا آشکارشده بود؛ بنابراین اعلام اوجالان و همچنین حزبش فعلاً ارزش عملی نداشته و ماجرا همچنان در حد وعده‌ای بی‌اثر باقی‌مانده است.

در این میان، ترکیه کارگران کردستان را به تعلل متهم کرده و خواه تسریع روند خلع سلاح شده است. رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، در ۶ ژوئیه ۲۰۲۵ گفت: «تلاش‌های صلح، زمانی سرعت خواهد گرفت که این سازمان تروریستی اجرای تصمیم خود برای کنار گذاشتن سلاح را آغاز کند»؛ هیتی از حزب مسائوات و دموکراسی قلم‌ها در ۷ ژوئیه ۲۰۲۵ با اوجالان و روز بعد با اردوغان و با حضور ابراهیم قالیبن دیدار کرد. اردوغان پس از انتشار تعهد اوجالان مبنی بر تسریع روند خلع سلاح حزبش گفت: «در آستانه مرحله‌ای جدید

در زندان باقی ماند، زیرا هدف اصلی‌اش منافع شخصی او است. او آشکارا از هدفی که برای آن از سال ۱۹۸۴ قوام مسلحانه خود را آغاز کرده بود، اعلام برانگیز کرد و گفت: «حزب از هدف تشکیل دولت ملی صرف‌نظر کرده در نتیجه از استراتژی جنگ نیز دست برداشته است. در شرایط تاریخی کنونی امید می‌رود پیشرفت بیشتری حاصل شود».

به همین دلیل خواستار تسریع روند خلع سلاح شد و گفت: «در مورد کنار گذاشتن سلاح، راهکارهای مناسب تعیین‌شده و اقدامات عملی سریع‌تری در پیش‌گرفته می‌شود» برای تحقق این هدف افزود: «در حال حاضر کمیته‌ای در مجلس ترکیه در حال تشکیل است تا فرآیند خلع سلاح به‌طور داوطلبانه و در چارچوب قانون انجام شود و این امر بسیار مهم است... ضروری است که گام‌های برداشته‌شده حساس و دور از منافع تنگ‌فروانه باشند اوجالان در این سخنان به منتقدان و معترضان اشاره می‌کند و منطق آن‌ها را «تنگ‌فروانه» می‌داند. وی افزود: «این گام را نشانه حسن نیت می‌دانم و به آن ابرار دارم. ایمان من به سیاست و صلح اجتماعی است، به سلاح، شما را دعوت می‌کنم که این امر را عملی کنید.

در اینجا او به سراحت تأکید می‌کند که باید روند اجرای توافقات تسریع شود تا فرصت خود را برای اثبات رهبری بر پروانش و نیز شانس آزادی از زندان که از سال ۱۹۹۹ در آن به سر می‌برد، از دست ندهد. آپه‌ای من موضوع را تأیید می‌کند این است که سخنرانی اوجالان توسط برگزاری «فرا» که به حزب او نزدیک است در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵ ضبط‌شده اما در ۹ ژوئیه ۲۰۲۵ منتشرشده است و این نشان می‌دهد انتشار آن را زمانی به تأخیر انداخته که واکنش عملی از سوی اعضا و رهبری حزب دیده شود؛ زیرا نشانه‌های تعلل و کندگی در اجرا آشکارشده بود؛ بنابراین اعلام اوجالان و همچنین حزبش فعلاً ارزش عملی نداشته و ماجرا همچنان در حد وعده‌ای بی‌اثر باقی‌مانده است.

در این میان، ترکیه کارگران کردستان را به تعلل متهم کرده و خواه تسریع روند خلع سلاح شده است. رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، در ۶ ژوئیه ۲۰۲۵ گفت: «تلاش‌های صلح، زمانی سرعت خواهد گرفت که این سازمان تروریستی اجرای تصمیم خود برای کنار گذاشتن سلاح را آغاز کند»؛ هیتی از حزب مسائوات و دموکراسی قلم‌ها در ۷ ژوئیه ۲۰۲۵ با اوجالان و روز بعد با اردوغان و با حضور ابراهیم قالیبن دیدار کرد. اردوغان پس از انتشار تعهد اوجالان مبنی بر تسریع روند خلع سلاح حزبش گفت: «در آستانه مرحله‌ای جدید

از طریق تقلید از بیگانه نمی‌دانم چگونه می‌توان امت را به حرکت آورد... احساساتش بخاطر می‌داند برانگیخته نمی‌شود، بلکه برای وطن و ملت برانگیخته می‌شود و این احساس، احساسی است که در کتاب «تکامل قیام درستی نمی‌کند» برای ملت، فداکاری کامل انجام نمی‌دهد... اگر فرض کنیم که قیام کرد و خواهان بی‌داری باشد، این قیام یا بر اثر ضررهای که به منافعش واردشده، صورت می‌گیرد، یا یک قیام تقلیدی از قیام ملت‌های دیگر است... که چندان بیگانه چون نصی‌آورد و با رفتن این ضرر یا رسیدن به یک منصب یا ارضای تمایلاتش، یا هنگام آسپیدیدن منافش، خاموش می‌شود.

در نتیجه، قیام و بیداری واقعی امت تنها با مبدأ اسلامی و وجود دولتی که آن را اجرا و این رسالت را برای آژانس‌های همه مردم از افکار و اندیشه‌های باطل و تعصبات قومی و ملی حمل کند، تحقق خواهد یافت.

عقیده اسلامی، اساس رستگاری و قطب‌نمای زندگی

استاد میاس المکردی _ ولایت مین

عقیده، در لغت، آن است که در دل محکم بسته و باور شده باشد و در اصطلاح شرعی، به معنای ایمان داشتن به الله سبحانه‌وتعالی، فرشتگان او، کتاب‌هایش، پیامبرانش، روز قیامت و باور به قضا و قدر خیر و شر است؛ چنان‌که در حدیث صحیحین از عمر بن خطاب نقل‌شده که مردی نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و پرسید: ای رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، ایمان چیست؟ فرمود: «ایمان آن است که به الله سبحانه‌وتعالی و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران و روز قیامت ایمان بیاوری و به قضا و قدر خیر و شر آن ایمان داشته باشی».

عقیده، تدبیری قاطع و مطابق با واقع بر اساس دلیل است. عقیده اسلام، عقیده‌ای عقلانی است؛ بدین معنا که انسان باید با عقل خود به وجود قطعی ایزدگار پی ببرد، به این‌که الله سبحانه‌وتعالی جهان را از نیستی آفرید و شیوه هیچ‌ک از مخلوقات نیست و قرآن، کلام‌الله سبحانه‌وتعالی است و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پیامبر فرستاده اوست. اساس هرچه را که دلیل نقلی قطعی آورد، عقل با اطمینان می‌پذیرد و در اموری که عقل خود توان درکشان را ندارد، به فطیعت آنچه وحی گفته، ایمان می‌آورد.

عقیده اسلامی، عقیده‌ای سیاسی است، نه صرفاً اعتقادی کاهنانه که فرد به وجود الله سبحانه‌وتعالی ایمان بیاورد و آن را از زندگی جدا به بخشی از زندگی جدا کند. بلکه عقیده‌ای سیاسی است؛ به این معنا که نظامی جامع برای مدیریت زندگی و مصالح انسان از برمی‌خیزد و همه روایع انسان به با خالق، چه با خود و دیگر مخلوقات بر اساس احکام شریعت ناشی از همین عقیده سامان می‌یابد؛ از جمله رابطه حاکمیت میان حاکم و مردم که در آن، تنها صاحب هستی، یعنی الله سبحانه‌وتعالی، حق فرمانروایی و تدبیر بر مخلوقات خود را دارد.

از لوازم عقیده اسلامی این است که مسئله حاکمیت را سامان می‌دهد؛ پس مسلمان باور دارد که حاکمیت از آن الله سبحانه‌وتعالی است و از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به وجود آمده است. اصطلاح «عقیده کاهنانه» به وجود آمده است؛ یعنی عقیده، اساس درگونی ریشاهی در فکر و روان انسان است و از او نشیمنی است اسلامی می‌سازد. عقیده حاکمیت، نخستین اقتضای کلمه توحید است؛ یعنی اولین الزام «لا اله الا الله» که در زندگی حاکمیت، کلمه توحید معنا و اثر واقعی خود را از دست می‌دهد و تنها واژه‌ای بی‌تاثیر می‌ماند. پس عقیده حاکمیت، نقد علمی و فکری زندگی اسلامی است و اساس جدال میان اسلام و غیر آن می‌م‌زنند.

عقیده حاکمیت در نگاه نظری مفسران، عقیده، در دو بُعد مطرح است؛ نخست، حاکمیت فکری است؛ یعنی آن که الله سبحانه‌وتعالی بر آفرینش و تقدیر و سرنوشت انسان جهان، فرمانروایی مطلق دارد که هیچ متکرران الله سبحانه‌وتعالی آن را نمی‌پذیرند؛ اما موضوع بحث ما، بُعد دوم است؛ حاکمیت تشریعی که از نظر اهمیت، در جایگاه سوم قرار می‌گیرد.

درست است که کاربان با کلیت اسلام دشمنی دارند، اما همه امور اسلامی همت که اگر در یکی از آن‌ها موفق شوند، می‌توانند بر اسلام و مسلمانان چیره شوند؛

۱- محور نخست، زودن دفاست از متون قرآنی، مستشرقان برای این هدف کتابی به عنوان «تاریخ قرآن» نوشته‌اند که تألیف آن نزدیک به هشتاد سال به طول انجامید و سرطقه آنان لودکده بود. آنان قرآن را سخن شری و بی‌تأثیر می‌دانند که قابلیت نقد و تحلیل و بررسی و پرسش دارد و آن را مسلم و مقدس نمی‌شمارند؛ اما در این زمینه ناگام مانده، چراکه مسلمانان، دید خود را «تاریخ هر شرایطی مقدس نیست» می‌دانند.

۲- محور دوم، تصفیه جایگاه سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و جمله به کتاب‌هایی همچون «مسیح بخاری و مسلم و دیگر منابع» هرچند توانستند گروه بخاری را که خود را «روشنفکر» می‌نامند، با خود همراه کنند. اما در میان عموم مسلمانان توفیقی به دست نیاوردند و توانستند زهر خود را به جان امت اسلام بپزند.

۳- محور سوم، نبرد بر حمله به سنت هم‌ناگام ماندن. برای آن موفق شدند و بر مسلمانان چیره شدند.

پس با وجود این موفقیت، نمونه‌هایی در بیان می‌کنیم:

قرآن مردم را به چنگ زدن به ریسمان الهی فرامی‌آورد، اما آنان در تجزیه امت موفق شدند. قرآن از دوستی با

سقوط آمریکا از درون و فروپاشی ارزش‌هایی که بدان فخر می‌کرد

آنچه امروز در آمریکا دیده می‌شود، نشانه روشنی از سقوط و انحطاط داخلی است که به دنبال خود، فروپاشی سیاست خارجی و از دست رفتن ارزش‌هایی را آورد که این کشور سال‌ها با آن‌ها فخر فروشی می‌کرد و مردم جهان را با شعارهایی چون حقوق بشر و دموکراسی فریب داده بود. آمریکا در واقعیت، از هر ارزشی که ادعایش را دارد بسیار دور است؛ همان کشور و به نام حقوق بشر، نخستین ناقض جان انسان بوده است و از کشتار و کشتن و ستم به مسیحی‌بوستان و تبعید یهودی‌ها آنان تا رفتاری که با حیوان نیز چنین روا نمی‌دارند. این کشور نخستین استفاده‌کننده از بمب اتمی در ژاپن بود و آثارش هنوز برجاست و آخرین مورد، به پایانی این و نه منصرف‌یافتن؛ چنان‌بشای علیه انسانیت ادامه دارد، از جمله حمایت عیان و بی‌قیدشرط از رژیم میهنیونیستی در جنگ علیه مردم غزه، حتی پسبانی از آمریکاییان، از جمله دانشجویان داشگاه‌ها، به سقوط ارزش‌های کشورشان شهادت دادند. زمانی که در اعتراض به جنایت دولت خود علیه مردم غزه و ویرانی بی‌پایان‌ها به پوشاک‌ها و لباس‌ها گرسنه نگه‌داشته‌ن مردم، به خیابان‌ها آمده‌اند. در حقیقت، آمریکا از ارزش‌هایی که مدعی آن است، مدت‌هاست سقوط کرده‌اند و چیزی جز تشییع نهایی باقی نمانده؛ تشییعی که جهان در انتظارش است، پس از همه جناحیانی که به بشریت تحویل کرد، با سیاست‌های ناپاک و استعمارگرانه، ایجاد جنگ‌ها، گرسنگی دادن به مردم و رساندن جهان به مرز فطعی و ساختن بحران‌های پدیدری. امروز جهان بیش از هر زمان دیگری به طور یک مکتب جدید نیاز دارد تا جایگزین ایده‌های پیسیده و شکست‌خورده سرمایه‌داری شود که آمریکا با آن دنیا را اداره می‌کند و در این راه، شکست سنگینی خورده است. این مکتب یک در، درست، در نزد مسلمانان آماده است؛ یعنی مکتب والای اسلام که فقط به یک دولت نیاز دارد تا آن را در جهان اجرا کند و با دعوت و جهاد، پیامش را به همه برساند. همان دولت خلافت راشده دوم بر منبج نبوت که بنزودی به اذن الله سبحانه‌وتعالی اقایه خواهد شد.

پس از هفت ماه جنب‌وجوش دیپلماتیک سوریه میان طمع دولت‌ها و سرنوشت خود استاد عبدو الدلی

از ۸ دسامبر ۲۰۲۴، سوریه شاهد رفت‌وآمدهای برای هماهنگی همکاری‌های مرزی و مقابله با دیپلماتیک گوناگون و در سطوح مختلف بوده است؛ نفوذ گروه‌های افراطی به سوریه فرستاد، رفت‌وآمدهایی که نمی‌توان آن‌ها را بی‌غرض دانست، آنچه از مجموع این رویدادها برمی‌آید این است که به‌ویژه با نگاهی به پیشینه کشورهایی که به دمشق که نتیجه به‌دست‌آمده، علی‌رغم تلاش‌های سفر کردند و شناخت وضعیت واقعی‌شان. گسترده مردم و مجاهدان، نه رضایت‌بخش می‌توان گفت سوریه امروز، پس از فرار ناگهانی بشار اسد، در روایت بین‌المللی خود دگرگونی بنیادینی را تجربه می‌کند؛ رخدادی که این موج دیپلماتیک سوریه‌رو برای خاموش کردن و پایان دادن به

را پس از رکودی طولانی و گام‌های لرزان به‌سوی انقلاب تلاش کرده‌اند. آن‌ها با گام‌های روشن و بی‌ابهام حرکت را دچار سردرگمی کرد؛ با سرازاز ترسیم دوباره نقشه دیپلماسی متغیباتی خواهد بود، با تکرار راهی که دیگران فراتراند.

در این هفت، هیئت‌های زیادی از کشورهای عربی و کرده بودند.

غربی راهی دمشق شدند؛ معنهای بی‌سابقه از زمان آغاز انقلاب در سال ۲۰۱۱؛ اما این هیئت‌ها چه کسانی بودند؟ چرا آمدند؟ و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ و بحث بازگشایی گذرگاه‌ها از معرعه العتسان و ابوالزنین، سخنان پیبوده‌ای نبود؛ بلکه همه این‌ها گام‌هایی واقعی در چارچوب یک طرح

کامل منزوی و تحریم نمی‌شود؟ پس اگر قرار بود نتیجه مطلوب حاصل نشود، این همه هیئت و سفر چرا؟ چرا سوریه به‌طور کامل منزوی و تحریم نمی‌شود؟

دیپلماتیک فشرده در همان اظهارات وزیر خارجیه ترکیه تصادفی نبود، پاسخ را باید در همان اظهارات یافت که همزمان با رویدادها مطرح شد و آشکارا بر لزوم کنترل اوضاع و جلوگیری از لغزش آن به مسیر که آن کشورها می‌پسندند، تأکید داشت.

اظهارات عراق، اردن و رژیم میهنیستی که از «خطرناک بودن وضعیت» و «لرزم خدالت برای مباران» سخن گفتند، دلیل این تحرکات دیپلماتیک فشرده از جمله سفرها و کاهش تحریم‌ها در روشن می‌سازد.

اگر به سوابق کشورها نام‌برده در قبال انقلاب سوریه رجوع کنیم، هیچ استثنایی در سباسباقی و سونیت نمی‌بینیم؛ همه در تلاش برای خاموش‌کردن انقلاب و جلوگیری از موفقیت این نقش داشته‌اند و هر یک به شیوه‌ای کوشیده‌اند سوریه را از ساحل امن دور نگه دارند.

این پیشینه سیاست‌ها و رفتارها نشان می‌دهد که هدف این هیئت‌ها دوستی با ما نیست، بلکه مهار مسیری است که نمی‌خواهند سوریه در آن قدم بگذارد. آن‌ها می‌خواهند سوریه کشور سیکولار، وابسته و فاقد اراده و تصمیم‌های باشد؛ اسیر قوانین و تفکرات و راحل‌های تحمیلی‌شان. هدفشان جلوگیری از

رهایی و عزت ماست.

پس چه رهایی‌های ممکن است از جانب همان کسانی که ما را استعمار کردند و به زنجیر کشیدند؟ و چه نتایجی از کسانی که آزادی و ششپیان انقلاب‌مان را سلب کردند؟ امروز، پس از هفت ماه از این جنب‌وجوش دیپلماتیک، هنوز نمی‌توان گفت سوریه راه خود را انتخاب کرده؛ فرصت همچنان باقی

است و بازگشت از خطا امکان‌پذیر است. با باید توجه‌مان به‌سوی‌گیرنده و صاحب کلام باشیم، به همان‌که در مسیر وابستگی باقی‌نمانیم و اراده و قوت‌مان به بقا رود!

فرست تکرار نمی‌شود.... پس برای انتخاب راه درست و رسیدن به عزت، به پیش‌قدم و شجاع بودی از تعلل و تردید پرهیز کرد؛ ابداً آنکه نعمت را در از بشار را به شما داد، شما را به حال خود واگذار و با چشم باز، به‌سوی سقوط و نابودی بروید!

کشورها خیری برای ما نمی‌خواهند و آنچه اکنون در حال وقوع است تا زمانی که ما صاحب تصمیم باشیم، به نفع ما نخواهد بود. انتخاب در دست ماست و همچنان اختیار از دست نرفته است. پس کاملاً هوشیار باشید! باید تحولات امروز را به سکوپی عزت و اقتدار خود بدل کنیم و به جهانیان نشان دهیم که ارباب و صاحب‌کلام این سرزمین خود ماییم.

هیچ رهایی برای امت نیست، مگر آن که متحد شود و به عقیده خود بازگردد

این اسلامی نمی‌زند آن است که آگاهی عمومی نسبت به مفاهیم اساسی اسلام که باید تغییر بر پایه آن‌ها شکل بگیرد، داشته باشد؛ مفاهیمی چون یکتایی الله سبحانه‌وتعالی، اینکه فقط اوست که حق تشریع دارد و تشریع به‌جز از جانب الله سبحانه‌وتعالی، کفر است. لازم است والدین نسبت به آنچه حکومت‌ها علیه فرزندان‌شان می‌روانند، هشیار باشند، چراکه بسیاری از خود آنان نیز قربانی این افکار و مفاهیم خطرناک شده‌اند؛ پس چگونه خواهند توانست فرزندان خود را آگاه و هدایت کنند درحالی‌که خودشان نیز نیازمند آگاهی و هدایت‌اند؟

هیچ راه نجاتی برای امت وجود ندارد، مگر اینکه متحد‌شد و به چنگ زدن به عقیده اسلامی خود بازگردد و دوباره حامل افکار و مفاهیم مسیح اسلامی گردد. تمام گروه‌های اسلامی که شعار «اسلام راه است» را سر دارند، در تحقق این شعار ناگام مانده؛ تنها حزب‌التحریر عمل که با آغاز تکرار ثابت کرده که حزب توانمند در رهبری این امت است. اوست که دعوت و عمل می‌کند برای بازگرداندن پیداری مسلمانان و با تلاش خاصانه و جدی برای ازسرگیری زندگی اسلامی از طریق اقامه دولت خلافت راشده بر منبج نبوت می‌کوشد.